

خانم خلود عمرو، در زمره زنان مسلمان فلسطینی است که ناپدید گریستن دین، تاریخ و فولکلور سرزمین خود را حتی اگر از سوی یک زن هموطن خود نیز باشد - بدون پاسخ نمی گذارد. وی پس از مصاحبه خانم دکتر «حنا عسراوی» با مجله آمریکایی «بانوان»، ضمن تأیید نقش زن فلسطینی در قیام مردم، در ارتباط با آن قسمت از مصاحبه ایشان، که حجاب را نشانه جنسیت و پدیده‌های شرم‌آورد و... دانسته است به پاسخگویی برخاست و با اشاره به فعالیت صدها زن فلسطینی پاینده به حجاب، در رده‌های بالای شغلی و تحصیلی، اظهارات ایشان را مبتنی بر واقعیات موجود جامعه فلسطین ندانسته است.

وی همچنین، «لانیکه» دانشن فلسطین را جنایت به حساب آورده و می‌گوید: حرکت‌ها و خیزش‌های این سرزمین، پیوسته رنگ و بویی اسلامی داشته است.



پاسخی به مجله آمریکایی "بانوان"

حجاب زن فلسطینی انتخابی آگاهانه

شرکت خانم دکتر حنا عسراوی در کفراس، حاوریه در سال ۲۰۰۰ء، مسخراتی ایشان در این زمینه در دانشگاه آکسفورد و تشریح درد و رنج ملی ستم‌بده و اشاره به وحشیگری‌های دشمن اشغالگر، به همان اندازه مرا شادمان ساخت که مصاحبه ایشان با مجله آمریکایی «بانوان» (MS) شگفت‌زده‌ام کرد. مصاحبه‌ای که در شماره ۱۷ ماهی مارس و آوریل ۹۲ به زور چاپ آراسته شده و هم اکنون بیش دویم قرار دارد.

من از اینکه پس از مسخراتی فوق‌الذکر با ایشان دست دادم و تحسین خود را در مورد گفته‌هایشان - به ویژه که جهان غرب را مخاطب ساخته بودند - ابراز کردم پشیمان نیستم، حتی حجاب و پوشش اسلامی مرا از این سپاسگزاری که در کمال صداقت و دوستی آنرا اظهار کردم باز نداشت. من، پیوسته این پوشش را که خانم دکتر آرا شرم آور خوانده است نشانه بزرگواری و سرفرازی دانسته و می‌دانم و اعتقاد دارم که گفته‌هایی از این دست، سر سوزنی از لرزش آن نمی‌کاهد.

من در حالی این واژه‌ها را می‌نویسم که متن مصاحبه خانم دکتر پیش رویم قرار دارد. گفتگویی که بعداً گوناگون نقش زن فلسطینی در

رسانیز و حرکت ملی و قیام مردم را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است و از حق نباید گذشت که ایشان، مسئه را به خوبی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ جز آنکه در یک مورد که جنبه اسلامی موضوع می‌باشد متأسفانه کوتاهی کرده و در بررسی آن، نقطه نظرهای درستی را ارائه نکرده‌اند و به همین خاطر، بخش بزرگی از زنان ملت ما، از آنچه که بزرگان خانم دکتر جاری شده است آزرده خاطر گشته و بی‌شک در مورد دیدگاههای وی عکس‌العمل نشان داده و همان‌گونه که برای بخشهای ارزشمند سخنان وی احترام قائم این بخش از گفته‌های ایشان را، بدون پاسخ نخواهند گذاشت.

خانم عشراوی در پاسخ به برخی از پرسش‌های مطرح شده چنین گفته‌اند که: «حجاب نشانهٔ جنسیت است ... و پدیده‌های شرم آور می‌باشد که زن را چون کالایی بی‌بندی شده عرضه می‌دارد ... حجاب سبب می‌شود که به وسیله آن، زن شخصیت ذاتی و فردی خود را از دست می‌دهد و در اوضاع، چون موسوی کار گذشته و شده به شمار آمده، خانه نشین بر می‌گردد تا تنها در خدمت خواسته‌های وی قرار گیرد در حالی که جامعه سخت در تلاش و نگرانی به دست آوردن آزادی و استقلال می‌باشد.»

خانم حنا فراموش می‌نماید که در بارهٔ لیس ملی فلسطین سخن می‌گوید و یکی از نهادهای برجست آنرا بازگو می‌نماید. او چگونگی می‌تواند پوشش فلسطینیان، که تمامی بدن را می‌پوشاند نادیده بگیرد و با روسری راه که در برگزیده تمامی سر است را به هیچ انگارد! لیس فلسطینیان، از پیراهن بلندی که همه بدن را می‌پوشاند تشکیل شده؛ پیراهنی که آنرا «جلباب» می‌نامند و بسیار زیبا و دیدنی است. توصیف و بیان خانم عشراوی از این پوشش، کافی است که اگر نه همه زنان فلسطین را، بلکه بخش عظیمی از آنان را که به تاریخ، دین و فلوکلور خود افتخار می‌نمایند آزرده خاطر سازد.

آیا خانم دکتر نمی‌دانند که با گفته‌های خود، آتنی راهبان می‌زند که هرگاه از فرودنشتن آن در جایی سیاسگزار خداوند گشته‌ایم در جایی دیگر سر برآورده است. آیا این گفته‌ها، برای کشیدن دیوارها و حجب‌ها و موانع گوناگون میان افراد یک ملت نیست!

چگونه خانم دکتر به خود اجازه می‌دهد که به این شکل اهانت آسید، در بارهٔ حجاب زن فلسطینی سخن بگوید؟! و چگونه می‌تواند خویش خود را از پیملسی آراسی که بدان خو گرفته است به در آورد و بخش بزرگی از ملتی را که به این حجاب، ایمان و اعتقاد دارد آزرده خاطر سازد؟ چسرا زسان دیلمسی وی، چون زسان ویژهٔ اروپاییان و آریکی‌هایی است که با آن، ملتی را مورد خطاب قرار می‌دهد. این دیلمسی و سیاست، آن چنان پیش می‌رود که به رابطه‌های میان خود و سازمان‌های زنان یهود، همچون سازمان زنان و شاشنی، و سازمان زنان و صلح و سازمان زنان زندانی سیاسی و پارلمان یهودیان مجلس اسرائیل و افرادی همچون «نادی غازان»، «شلویت امونی»، «یائیل دایان»، دختر موشه دایان می‌انجامد و تلاش می‌نماید که تأکید این گروه‌ها را به دست آورد تا بدین وسیله، مسئه فلسطین را مورد انبث آنان قرار دهد. ولی متأسفانه این درونگرایی‌ها به هنگام رفتار با مردم فلسطین و ملتشان، محو و ناپدید می‌گردد و به جای آن، سخنانی به کار برده می‌شود که تمامی چراغ‌های رابطه را فرو می‌کشد و دریچه‌های گفتگو را بر می‌بندد، تا بدانجا که هیچگونه احترام متقابلی را نمی‌توان در نظر گرفت. سخنان

خانم عشراوی در مورد حجاب، مرا اندوهگین ساخت. زیرا که دیدگاه‌های وی، مبتنی بر واقعیت موجود این بخش از جامعه نیست، بلکه بر اوهام و تخیلات و گمان‌های وی پاییزی شده است، مخصوصاً از انگاشت‌هایی که حقیقت نداشتند شده‌اند. من صد هاتن از پایندان حجاب را می‌شناسم که بزرگک مخصوص، داروساز، حقوق‌دان و دانشجوی دانشگاه می‌باشند. در میان این افراد، کسانی هستند که در زمینه‌های مختلف دارای دکترای می‌باشند و در فعالیت‌های اجتماعی جامعه شرکت دارند و از اینکه دارای حجاب هستند نه تنها احساس شرم و عجزت نمی‌کنند که به آن افتخار می‌نمایند. بخصوص که حجاب، پدیده‌های نشانخته برای آنان نیست و با ریشه‌ها و اصول و سیرات مردم ما یگانه نمی‌باشد.

مطلب دیگری که در این معاصیه، بیش از اندازه موجب شگفتی من شد موضوعی است که پیش از این آرا نشده بودم و گوینده نیز هیچ دلیلی بر سمت مدعی خود ارائه نکرده است. وی اظهار می‌دارد که حجاب، پوششی است که مردان، آنرا به اجبار بر زنان تحمیل کرده‌اند و هرگاه زنان خواسته‌اند از این پدیده سرپیچی نمایند مردان با تخم مرغ و گوجه فرنگی، آنان را مجبور به پذیرفتن آن ساخته‌اند. در حالی که در مورد من و دهها نفر دیگر از کسانی که می‌شناسم، حجاب نه تنها پدیده‌ای که اجباری نبوده است بلکه هنگام انتخاب آن، با عکس‌العمل و مقاومت



● سرزمین مقدس فلسطین، خود را وقف رسولان و پیامبران پروردگار ساخته است و آنان، پایه‌های این سرزمین را بر قداست خود استوار ساخته و آن را جاوداتسی بخشیدند.

کسانی که در اطرافشان بوده اند نیز مواجه شده ایم. و هیچ کس با وسایل یاد شده، ما را مجبور به انتخاب نکرده است.

در این جایزه اعتراض خود را نسبت به بیانیته مجلس اعلاي زنان، که در این مصاحبه از آن یاد شده است، ابراز دارم. بیانیتهای که طی آن صحاب را - بدین دلیل که توسط مردان بر زبان تحمیل شده است - محکوم می نمایند و یاد آور می شود که مردان، چنین حقی را ندارند. اما ما می گوئیم که حجاب از سوی مردان جامعه، بر زبان تحمیل نشده است بلکه این پدیده را، خداوند نگار جهان برای زنان در نظر گرفته است و دیگر آنکه، مردان و زنان هیچ یک این حق را ندارند که دیگران را مجبور و ملزم به پوششی نمایند که مورد خواست و رغبت آنان نمی باشد.

همچنین، اعتراض خود را نسبت به دو بیانیته دیگر رهبری انتخاب فلسطین که در مورد موضوع یاد شده صادر گشته است اعلام می دارم. دو بیانیتهای که در مصاحبه مذکور نیز، ذکری از آن رفته است و خانم دکتر چنین در باره آنها یاد سخن داده است: در رهبری که برای زنان و نهفت آنان ارزش قائل نشود نمی تواند بکن رهبری امیل باشد و توانایی اداره کردن بکن نهفت فراگیر را ندارد. خانم دکتر به طور غسطنی اعلام می دارند که عدم محکومیت حجاب از سوی رهبری ملی فلسطین، گامی فخرانی و واپس گر است.

برداشت من از عبارت نهفت فراگیر در این فراز از سخنان خانم دکتر، مبسوط بر این نکته می باشد که نهفتی می تواند فراگیر باشد که شامل تمامی مردم گردد و این مفهوم عبارت از رهبری ای که توان اداره کردن بکن نهفت را داشته باشد، می باشد ولی مستثنی شدن با حجابها و رفتار با آنان بدین شیوه، آن هم در سطح رهبری ملی بدون آنکه گشایی متوجه آنان باشد و یا چنانچه را مرتکب شده باشند و یا چنانچه را در مورد ارزشهای ملی و اسلامی روا داشته باشند عین ستم و ظلم به آنان است و این پدیده موجب می گردد که بعضی غسطنی از مردان و زنان ملت ما، موضوع گیری سیاسی را در برابر رهبری ملی انتخاب نمایند و همانگونه که رهبری، آنان را کنار گذاشته است اینان نیز رهبری را نادیده انگاشته و آرا به هیچ انگارند.

نکته دیگری که ناگزیر باید پیش از پایان دادن به این نوشتار بدان بپردازیم در مورد سخنانی است که در این مصاحبه بر زبان خانم دکتر رفته است. ایشان اظهار داشته اند که حرکت های اصول گرایی اسلامی در فلسطین، حرکت های سیاسی است که با شدت و ضعف متضایی، حکومتی با دستوردهای حرکت سیاسی ملی لایک دارد و این برای ملت فلسطین، پدیده های ناشناخته است، چرا که این حرکت در عرصه از سرزمین مصر و در ساحل غربی ۱۹۴۸ از آن فراتر رفته شده است. جامعه فلسطین پیوسته لایک بوده است و نسبت به دین و مذهب، انگیزه های نداشته است و سازمانهای سیاسی موجود در فلسطین، بر آمده از خلاقیت است که در زمانملی پدید آمده است و نتیجه و بازو آن، بیگانگی و پاس است که مردم را به گریزگاه های روانی سوق می دهد.

باید گفت فلسطین، گاهواره رسالتها و پیام آوریها و مهد رسولان است. همانند مردم که خانم دکتر در هیچ نقطه ای از این سرزمین، قدم نگذاشته و یا مساجد یا کلیسای روبرو نکرده. اگر شهرهای این گروه خاکی، به داشتن آثار باستانی و با حفلات ویژه دیگری برجستگی می یابند فلسطین، از داشتن عنوان سرزمین مقدس، رنگ می گیرد. سرزمینی که خود را وقف رسولان و پیامبران پروردگار ساخته است و آنان، پایه های



● زنان فلسطینی، در فعالیت های اجتماعی جامعه شرکت دارند و از اینکه دارای حجاب هستند نه تنها احساس شرم و خجالت نمی کنند بلکه به آن افتخار می نمایند.

این سرزمین را بر دلالت خود استوار ساخته، آنرا جاودانگی بخشیدند و نگار سرسید شهرهای جهان ساختند. دین در این سرزمین، با خاک و تاریخ آن در آینه است. سرزمینی از این دست نمی تواند، لایک باشد. گمان دارم چنین توصیفی غیرواقعی و غیر محلی باشد، جناب است اگر فلسطین را لایک بدانیم. بازنگری ساده ای در تریخ معاصر و جنبش های رهایی بخش این سرزمین، حقیقتی را پیش روی ما قرار می دهد که باید آنرا در پییم و بنهیم و به خاطر بسیاری تاثر گرفتار شدن در خطاهای و لغزش های علمی مسون بنهیم. حقیقت این است که حرکتها و خیزش های این سرزمین، پیوسته رنگ و بویی اسلامی داشته است: دین، سواستگاه این حرکتها بوده است، جنبش عمر مختار، نهفت فلسطینی، پیام بن دایس و انقلاب عزالدین قسام و... همه بیانگر این نکته است که اسلام روح عصیان و پرستانگری را آن چنان پرورده است که نمی توان مردم را به آن گریزگاههای روانی، موصوف ساخت.

پدیده دین اسلام در سرزمین ما، پدیده های ناب و امیل است. نه یگانگی و ناآشنایی، که ناشی از ضعف و قوت خیزش های لایک و ملی باشد. عصر لایک فلسطین... اگر بسیار خوشبین باشیم - در حدود صد و پنجاه سال است در حالی که اسلام از فلسطین چهارده سده ای برخوردار است.

در پایان، آرزویم آن است که خانم دکتر عشقواری و دیگر همگان وی، متعلق به روحیه بازنگری در ساختار واقعی ملت گردند و این جرأت را بیابند که با جرأتها و گوناگون جامعه - در تماس قرار گیرند. زیرا معتقدم نو نیز یک فلسطینی ملی گرای مخلص است نه مزدوری خریداری شده، اگر چنین نگرشی را در پیاید می شکست نقطه نظرات عادلانه تری را بیان خواهد داشت.

ذیل نویسی:

۱. خانم امیرانی برای سبابت